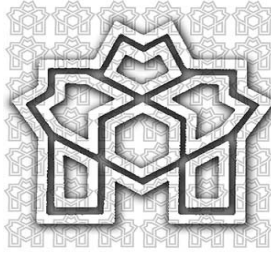


**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**



**دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه علامه طباطبائی**

**رساله جهت اخذ درجه دکتری علوم سیاسی**

**عنوان رساله:**

**پدیدارشناسی هویت سیاسی اتحادیه اروپا**

**استاد راهنما:**

**دکتر ابراهیم برزگر**

**اساتید مشاور:**

**دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی**

**دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی**

**دکتر محمد باقر خرمشاد**

**دانشجو:**

**عباداله مولایی**

**اردیبهشت ماه ۱۳۹۰**

## فهرست مطالب

10-11 ..... چکیده

12-15 ..... مقدمه

### فصل اول: کلیات

- 1- بیان مساله ..... 16-18
- 2- اهمیت و اهداف موضوع ..... 18-19
- 3- پیشینه و ادبیات موضوع ..... 20
- 3-1- هویت اروپایی دوره جنگ سرد ..... 20-21
- 3-2- سنت نوکارکردگرایی ..... 21-22
- 3-3- سنت بین دولت گرایی ..... 22-23
- 3-4- هویت اروپایی در دوره پساجنگ سرد ..... 23-24
- 3-5- فلسفه سیاسی کانتی و طرح شرایط امکان هویت اروپایی ..... 24-27
- 4- سوالات تحقیق ..... 28
- 5- مفاهیم پژوهش ..... 29
- 6- ملاحظات روش شناختی ..... 30
- 6-1- آغاز و انجام سنت پدیدارشناسی ..... 30-32
- 6-2- پدیدارشناسی تفسیری ..... 32-33
- 6-3- گسست ها و پیوست ها ..... 33-34
- 6-4- تحلیل روایت ..... 34-37
- 7- سازماندهی تحقیق ..... 37-39
- 8- فهرست منابع ..... 40-41

### فصل دوم: نظریه های هویت سیاسی

- 1- مقدمه ..... 42
- 2- معناکاوی فلسفه هویت ..... 42-45
- 3- هویت در علوم سیاسی ..... 45
- 4- سرمشق های نظری هویت سیاسی ..... 45-46
- 4-1- دوگانه ازلی گرایان و نوگرایان ..... 46-48
- 4-2- دوگانه هویت قومی و هویت مدنی ..... 48-50
- 4-3- دوگانه ذات انگاری و سازه انگاری ..... 50-51
- 4-4- دوگانه هویت و غیریت ..... 51-54
- 5- هویت بین المللی ..... 54-56

56-58.....	6- سنت سازه انگاری و هویت اروپایی.....
58-60 .....	7- نسبت روایت پردازی و هویت سیاسی.....
60-63.....	7-1- ریکور و هویت روایی.....
63-64 .....	8- جمع بندی.....
65-67 .....	9- فهرست منابع.....

### **فصل سوم: تبارشناسی هویت و غیریت در تاریخ سیاست اروپایی**

68 .....	1- مقدمه.....
68-69 .....	2- مفاهیم تاریخی هویت اروپایی.....
69-70 .....	2-1- اروپا در سنت یونانی.....
70-72.....	2-2- غیریت سازی در سنت یونانی.....
72-73 .....	2-3-اروپا در سنت رومی.....
73-75 .....	2-4-اروپا در سنت مسیحی.....
75-77.....	2-5- غیریت سازی در سنت مسیحی.....
77 .....	3- اروپا در روایت مدرن.....
77-78.....	3-1- روایت تمدنی اروپای مدرن.....
78-79 .....	3-2-روایت سیاسی اروپای مدرن.....
79-82 .....	3-3- غیریت سازی در سنت وستفالیایی.....
82-85.....	4- روایت فلسفی هویت اروپایی.....
85-89 .....	5- بحران هویت های اروپایی.....
89-90 .....	6- بازتعریف هویت اروپایی.....
90-92 .....	7- جمع بندی.....
93-94 .....	8- فهرست منابع.....

### **فصل چهارم: امکان و امتناع هویت اروپایی**

95-96 .....	1- مقدمه.....
96-100 .....	2- سیاسی شدن فرایند همگرایی اروپایی.....
100-101.....	3- نظام حکمرانی اروپایی.....
101-103.....	4-نسبت هویت اروپایی با هویت های ملی.....
103-107 .....	5- هویت بین المللی اتحادیه اروپا.....
107-109 .....	6- چرخش هنجاری در فلسفه سیاسی.....
109 .....	6-1- مواجهه سنت های فلسفی در سیاست اروپایی.....
109-111.....	7- سنت نو هگلی در سیاست اروپایی.....

111-113.....	7-1- هويت در فلسفه سياسی جماعت گرايی
113 .....	7-2- صورت بندی های جماعت گرايانه هويت سياسی
114 .....	7-2-1- جماعت گرايی بين دولتی
114-115.....	1- آنتونی اسمیت
115-116.....	2- ويل کيمليکا
116-117.....	3- ديتر گريم
118-119.....	7-2-2- بين دولت گرايی ليبرال
119-121 .....	8- ميراث هويتي امتناع گرايان
121-122.....	9- سنت نوکانتی در سياست اروپايی
122-123 .....	9-1- کانت و جهان وطن گرايی
123-125.....	9-2- کانت و مفهوم صلح دائمی
125-126.....	10- جمع بندی
127-129 .....	11- فهرست منابع

### فصل پنجم : روايت های اروپای جهان وطنی

130 .....	1- مقدمه
130.....	2- جهان وطن گرايی در دوره پسا جنگ سرد
130-131.....	3- جهان وطن گرايی و هويت سياسی اروپايی
131-132 .....	4- اولريش بک و روايت اروپای جهان وطنی
132-133 .....	4-1- بازاندیشی فلسفه سياسی و علوم اجتماعی
133-136 .....	4-2- سياست جهان وطنی
136-139 .....	4-3- اروپای جهان وطنی
139-140.....	5- هابرماس و روايت اروپای پسا ملی
140-141.....	5-1- هابرماس و سنت فلسفه سياسی پسا کانتی
141-142 .....	5-2- سياست و دموکراسی مشورتی
142-143 .....	5-3- میهن دوستی مشروطه
143-149.....	5-4- منظومه پسا ملی اروپايی
149.....	6- دلانتي و روايت اروپای پسا غربی
149-150 .....	6-1- جهان وطن گرايی پسا جهان شمول
150-152 .....	6-2- گسترش جغرافيايی و تحول هويت اتحاديه اروپا
152-154.....	6-3- مدرنیته و منظومه تمدنی سه گانه اروپايی
154-156.....	6-4- دلانتي و هويت جهان وطنی اروپا
156-158 .....	6-5- نقش غيریت سازی در هويت اروپايی

- 7- جمع بندی ..... 158-164
- 8- فهرست منابع ..... 164-166

### فصل ششم: روایت اروپای مدنی

- 1- مقدمه ..... 167
- 2- خاستگاه هویت بین المللی اتحادیه اروپا ..... 167-170
- 3- هستی شناسی قدرت در سیاست اروپایی ..... 170-173
- 4- روایت مدنی هویت بین المللی اتحادیه اروپا ..... 173
- 4-1- پیشینه تاریخی روایت قدرت مدنی ..... 173-175
- 4-2- سرشت تمدنی قدرت مدنی ..... 175-178
- 4-3- قدرت مدنی در دوره جنگ سرد ..... 178-180
- 4-4- قدرت مدنی در دوره پسا جنگ سرد ..... 180-182
- 4-5- نسبت قدرت مدنی و قدرت نظامی ..... 182-185
- 4-6- بحران روایت مدنی هویت اروپایی ..... 185-189
- 5- جمع بندی ..... 189-190
- 6- فهرست منابع ..... 191-192

### فصل هفتم: روایت اروپای پست مدرن

- 1- مقدمه ..... 193
- 2- آغاز و انجام پست مدرنیسم ..... 193
- 2-1- مبانی فلسفی ..... 193-194
- 2-2- منظر جامعه شناختی ..... 194-195
- 3- چرخش پست مدرن در سیاست اروپایی ..... 195
- 3-1- سیاست اروپایی در موقعیت پست مدرن ..... 195-196
- 3-2- روایت پست مدرن سیاست بین المللی اروپا ..... 196
- 4- اروپای پست مدرن به روایت رابرت کوپر ..... 196-197
- 4-1- نظریه سه جهانی ..... 197
- 4-2- جهان پشما مدرن ..... 197
- 4-3- جهان مدرن ..... 197-198
- 4-4- جهان پست مدرن ..... 198-199
- 4-5- جایگاه اتحادیه اروپا در نظریه سه جهانی ..... 199
- 5- هویت بین المللی اروپای پست مدرن ..... 200
- 5-1- اروپای پست مدرن و روابط فرآتلانتیکی ..... 200

201-202	5-2- نسبت امنیت و هویت پست مدرن اروپایی
202	5-3- امپریالیسم لیبرال
202	6- روایت اروپای کانتی
202-204	6-1- مواجهه فلسفه های سیاسی هابزی و کانتی
204-205	6-2- فرهنگ استراتژیک و روانشناسی ضعف و قدرت
205-207	6-3- چند قطبی شدن جهان غرب
207-209	7- جایگاه روایت پست مدرن
209-211	8- جمع بندی
212-213	9- فهرست منابع

### فصل هشتم: روایت اروپای هنجاری

214	1- مقدمه
214-216	2- یان منرز و روایت قدرت هنجاری
216-218	2-1- تمایز وجودی اتحادیه اروپا
218-220	3- روایت هنجاری و فرایند " نظامی شدن " اتحادیه اروپایی
220-222	4- هنجارگرایی اروپایی
222-224	5- نقد و ارزیابی روایت هنجاری
224-226	5-1- نقد واقع گرایان
226-228	5-2- نقد پسا ساختارگرایان
228-231	6- چشم انداز روایت قدرت هنجاری
231-233	7- جمع بندی
234	8- فهرست منابع

### فصل نهم: تحلیل پدیدارشناختی روایت های هویت اروپایی

235	1- مقدمه
235-237	2- روایت شناسی هویت اروپایی
237-239	3- مشخصه های عمومی روایت های هویت اروپایی
239	4- مفاهیم مشترک روایت های هویتی اتحادیه اروپا
239-240	4-1- سیاست گرایی
240	4-2- پسا ملی گرایی
241	4-3- جهان وطن گرایی
241-242	4-4- هنجارگرایی
242-243	4-5- صلح گرایی

243	4-6- استثنانگرای
243-244	4-7- غیریت گرای
244-245	5- فرا روایت اروپای پساوستفالیایی
245-246	6- نسبت روایت و هویت درسیاست اروپایی
246-247	6-1- بحران فرایند هم گرای اروپایی
247-249	6-2- بازملی شدن سیاست اروپایی
249-251	6-3- رقابت روایت های ملی هویت اروپایی
251-253	6-4- غیریت سازی درون اروپایی
253-259	6-5- غیریت سازی برون اروپایی
259-260	6-6- احیای سیاست قدرت محور
260-262	7- نسبت هویت سیاسی و هویت بین المللی اتحادیه اروپا
262-263	8- جمع بندی
263-266	9- فهرست منابع

### فصل دهم: چشم انداز هویتی اتحادیه اروپا

267	1- مقدمه
267-270	2- سیاست معاهده محوراروپایی
271	3- مکالمه سنت های کانتی و هابزی
271-274	3-1- رواداری مشروطه
274-275	3-2- جماعت گرای جهان وطنی
275-277	4- هویت سیاسی نووستفالیایی
277-279	5- چشم انداز دولت قاره ای
279-280	6- افق هویت بین المللی اتحادیه اروپا
280-281	6-1- بازتعریف سیاست قدرت محور اروپایی
281-284	6-2- پیدایی فرهنگ استراتژیک اروپایی
284-286	6-3- هم گرای فرهنگ های استراتژیک اروپایی و آتلانتیکی
286-291	6-4- پیدایی ژئوپولتیک اروپایی
291-292	7- چالش های اروپایی و بین المللی اتحادیه اروپا
292	7-1- بحران شیوه زیست اروپایی
292-293	7-2- اروپاگریزی
293	7-3- بحران جمعیتی
293-294	7-4- بحران مهاجرت
294-295	7-5- بازگشت پوپولیسیم اروپایی



295.....	7-6- بحران اقتصادی.....
295-297.....	7-7- رقابت های بین اروپایی.....
297-298 .....	7-8- قدرت های نوظهور .....
298-301 .....	7-9- کسری استقلال .....
301- 302.....	8- جمع بندی .....
302- 305.....	9- فهرست منابع .....
306- 313 .....	- <b>نتیجه گیری</b> .....
314- 331.....	- <b>کتابنامه</b> .....

### پدیدارشناسی هویت سیاسی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در دوران پسا جنگ سرد به دلیل بحران هویت با چالش های وجودی متعددی مواجه شده است. غلبه بر مساله هویت اتحادیه اروپا یکی از موضوعات اصلی مناظره های نظری در نظریه سیاسی بین الملل اروپایی می باشد. هویت اروپایی با روایت های متفاوتی مانند روایت های جهان وطنی، مدنی، پست مدرن و هنجاری توصیف شده است. رساله حاضر نقش این روایت های کانتی را در بازاندیشی سیاست اروپایی و هویت سازی سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا بر مبنای تحلیل روایت و سنت پدیدارشناختی مطالعه نموده است.

### کلید واژه ها:

پدیدارشناسی، هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا، روایت های جهان وطنی، مدنی، پست مدرن و هنجاری

**Abstract:**

**The Phenomenology of Political Identity of the European Union**

The European Union has been faced with different existential challenges in Post-Cold War era due to the identity crisis. Therefore, overcoming identity problem of European Union is one of the main topics of the theoretical debates in European international political theory. The European identity has been characterized with different narratives such as cosmopolitan, civilian, Post-Modern and normative power Europe.

The present dissertation addresses the contributions of these Kantian narratives to the rethinking of European Politics and European political and international identity on the basis of narrative analysis and phenomenological tradition.

**Keywords:**

European Union, Phenomenology, Political and International Identity, Kantian Identity Narratives, Cosmopolitan Europe, Civilian Power, Post-Modern Power and Normative Power, Post-westphalian polity

## مقدمه

هویت سیاسی و بین‌المللی از پرسامدترین مفاهیم و واژگان ادبیات سیاست اروپایی در دوره پسا جنگ سرد بوده است. تداوم مساله واره سنتی "کسری دموکراسی" و فقدان اینهمانی هویتی میان شهروندان اروپایی با اتحادیه اروپا، سیاسی شدن فرایند هم‌گرایی اروپایی، گسترش جغرافیایی اتحادیه اروپا و ژرف تر شدن فرایندهای چندقومی، چندزبانی، چند فرهنگی در این حوزه، آثار اروپایی موقعیت‌های جهانی شدن و پست مدرن و بحران معنا و فلسفه وجودی اروپا در جغرافیایی فرهنگی و سیاسی جهان از مهم ترین عوامل و دلایل مساله ساز شدن موضوع هویت در اروپا بوده اند.

چالش‌های هویتی اتحادیه اروپا موجب شده است تا "منطق هم‌گرایی" به تدریج تحت الشعاع "منطق هویت‌گرایی" قرار گرفته و فلسفه سیاسی نیز به موازات نظریه‌های روابط بین‌الملل در مفهوم پردازی و شکل دهی به هویت سیاسی و بین‌المللی اتحادیه اروپا نقش آفرینی نماید. این تکاپوی نظری تلاش دارد تا زمینه فهم مطلوب تر دگردیسی‌های سیاسی اروپا را فراهم آورده و با نگرستن به افق‌های فراتر از چشم اندازه‌های نظری موجود، زمینه را برای گام نهادن به فراسوی مجادله‌های سنتی جهت مفهوم پردازی هویت سیاسی اروپایی فراهم آورد.

طرح شرایط امکان هویت سیاسی و بین‌المللی اتحادیه اروپا یکی از مهم ترین مضامین فلسفه سیاسی نوکانتی است که زمینه را برای قدرت‌نمایی امکان‌گرایان در عرصه روایت پردازی هویت اروپایی مساعد گرداند. کانت فیلسوف مدرنیته و روشنگری از اثرگذارترین چهره‌های فلسفی و سیاسی اروپای معاصر بوده است. این فیلسوف در مقام نقطه ارجاع اصلی بسیاری از مناظره‌های سیاسی اروپای مدرن توجه همزمان نظریه پردازان و سیاست‌مداران اروپایی را برانگیخته است. روایت‌های اروپای جهان وطنی، اروپای مدنی، اروپای هنجاری و اروپای پست مدرن از جمله شاخص تری روایت‌هایی هستند که با الهام‌پذیری از آموزه‌های فلسفه سیاسی کانت، افق‌های جدیدی در چشم‌انداز هویت سیاسی و بین‌المللی اتحادیه اروپا ترسیم نموده اند.

این روایت‌ها با بازاندیشی و تفسیر مجدد سنت‌های تاریخی سیاست اروپایی و میراث روشنگری اروپایی تصویری متفاوت از هویت سیاسی درون اروپایی و هویت بین‌المللی اتحادیه اروپا ارائه نموده اند. روایت‌های مزبور همچنین به سهم خود با شکل دهی به معنای هویت اروپایی در صدد بوده اند تا زمینه را برای خروج اروپا از بحران‌های هویتی دوران معاصر و بازسازی موقعیت این حوزه در سیاست جهانی فراهم سازند. به نظر می‌رسد "فراروایت اروپای پسا وستفالیایی" روح مشترک این روایت‌ها را تشکیل می‌دهد.

با این همه، روایت‌های نوکانتی بیش از آن که چرخشی در سیاست اروپایی پدید آورده و هویت سیاسی اروپایی را بر بنیادهای نوپدید مبتنی سازند، به تداوم مفاهیم و آموزه‌های سنتی‌های پیشین مدد رسانده اند. این امر به نوعی هویت حداقلی، سیاست محور و با سرشت پیوندی و تلفیقی مولفه‌های هویت‌های ملی با هویت اروپایی در قالب "وحدت در کثرت" منتهی شده است. از سوی دیگر، به دلیل امتناع هویت‌سازی فرهنگی و کاستی‌ها و محدودیت‌های هویت‌سازی

سیاسی در عرصه سیاست درون اروپایی، امر بین المللی به مفر هویت سازی اروپایی تبدیل شده است. اصطکاک و رقابت سنت ها و میراث های تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هویت های ملی با یکدیگر سبب شده است تا در دوره بن بست هویت سازی سیاسی تمام عیار، غیریت سازی یعنی تمایز جوئی اروپاییان با غیر اروپاییان در هویت سازی اتحادیه اروپا پررنگ تر گردد. در این معنا، اینهمانی مثبت و اشتراکات اروپاییان با یکدیگر با تفاوت گذاری و تمایز جویی با سایر جوامع غیر اروپایی همراه گشته است. البته غیریت سازی در این معنا، الزاما به معنی تقابل جوئی و ستفالیایی نیست بلکه ترجمان نوعی تفاوت گذاری و تمایز جوئی می باشد.

روایت های هویتی نوکانتی با کاستی های متعددی روبرو بوده و تنها بر بخشی از سیاست اتحادیه اروپا پرتو افکنده اند. به بیان دیگر، این تکاپوی نظری نتوانسته است تصویری تام و تمام از فرایند هویت سازی اروپایی ارائه نموده و ترجمان واقعیت های عینی اتحادیه اروپا باشد. تقلیل گرایی و توجه نظری اندک به نسبت میان هویت سیاسی بین اروپایی و بین المللی اتحادیه اروپا سبب شده است تا هویت اروپایی در این روایت ها به یکی از وجوه آن فروکاسته شود. یکی از اهداف پژوهش حاضر رفع کاستی مزبور و تحلیل نسبت میان هویت سیاسی بین اروپایی و بین المللی می باشد. چه آن که، عدم توجه به پیوستگی میان این دو وجه هویت اتحادیه اروپا، مانع فهم تمام عیار سیاست اروپایی می گردد.

چگونگی نقش آفرینی روایت های نظری در تعریف و شکل دهی به هویت اروپایی، فلسفه وجودی هویت سیاسی در عرصه سیاست داخلی اتحادیه اروپا، روایت های هویت بین المللی و نسبت آن با هویت سیاسی اتحادیه اروپا و سرشت هویت اروپایی در آغاز سده بیست و یکم مهم ترین پرسش هایی هستند که رساله حاضر عهده دار تلاش برای ارائه پاسخ به آن ها گردیده است.

این رساله در یک مقدمه، ده فصل و یک نتیجه گیری تدوین شده است. فصل اول به کلیات اختصاص دارد و طی آن تصویری از بیان مساله، اهداف و اهمیت موضوع، سوالات، فرضیه ها و مفاهیم پژوهش، پیشینه و ادبیات موضوع و رهیافت روش شناختی ترسیم شده است. نظریه های هم گرایی اروپایی که به ویژه در دوران جنگ سرد نقشی بلامنازع در تبیین فرایند هم گرایی اروپایی در بخش ادبیات موضوع نقد و ارزیابی شده است. شرح و تبیین روش تحلیل روایت که یکی از رهیافت های ملهم از پدیدارشناسی تفسیری به شمار می رود و در مطالعه و پژوهش موضوع این رساله یعنی پدیدارشناسی هویت سیاسی اتحادیه سوئد و روشنگر می نماید، موضوع پایانی این بخش را تشکیل می دهد.

در فصل دوم چارچوب نظری پژوهش مورد بحث قرار گرفته و در آن با اشاره به جایگاه هویت سیاسی در علوم سیاسی، سرمشق های نظری هویت سیاسی یعنی دوگانه های ازلی گرایی و مدرن گرایی، ذات انگاری و سازه انگاری، قومی گرایی و مدنی گرایی، هویت و غیریت بررسی شده است. در ادامه به شرح و واکاوی نظریه "هویت روایی" پرداخته شده است. این نظریه هم با روش تحلیل روایت و هم با سرشت روایت های هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا تناسب و سازگاری بیش تری دارد.

در فصل سوم نخست مفاهیم، تصویرها و روایت های تاریخی هویت اروپایی طرح و در آن مفهوم اروپا در دوره های مختلف تاریخ این قاره یعنی از یونان تا سده بیستم واکاوی و نسبت میان هویت اتحادیه اروپا با این روایت ها بررسی شده است. در این فصل همزمان با ارائه مثال ها و نمونه هایی از سنت غیریت سازی در تاریخ سیاست اروپایی، "دگرهای" تاریخی اروپا در مقاطع زمانی مهم معرفی شده است.

فصل چهارم موضوع امکان و یا امتناع هویت سازی در اتحادیه اروپا را مورد سنجش و ارزیابی قرارداده است. شرح آراء و نظرات دو طیف امتناع گرایان و امکان گرایان و ارزیابی موضوع امتناع و یا امکان هویت سازی در اتحادیه اروپا در پرتو آموزه های فلسفه سیاسی هنجاری مضمون محوری این فصل را تشکیل می دهد. نگارنده تلاش نموده است تا با تمرکز بر روایت های امکان گرایان به پژوهش پیرامون هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا در قالب روایت های این طیف بپردازد.

تبیین و تحلیل روایت های داخلی هویت سیاسی اروپا محور اصلی فصل پنجم را تشکیل می دهد. در این فصل با اشاره به ظرفیت و توان تحلیلی فلسفه سیاسی هنجاری نوکانتی در مفهوم پردازی و فهم سرشت هویت سیاسی اتحادیه اروپا، روایت های متنوع هویت سیاسی اتحادیه اروپا در چارچوب سنت جهان وطنی بررسی و نقد شده است. اروپای جهان وطنی به روایت اولریش بک، اروپای پسا ملی به روایت هابرماس و اروپای پسا غربی به روایت دلانتی مهم ترین روایت های اروپای جهان وطنی هستند که این فصل نسبت آن ها را با هویت سیاسی اتحادیه اروپا مورد سنجش قرارداده است.

فصل های ششم، هفتم و هشتم به شرح و ارزیابی روایت های بین المللی اتحادیه اروپا پرداخته است. در فصل ششم، نسبت هویت بین المللی با هویت سیاسی اتحادیه اروپا تبیین شده و در ادامه روایت اروپای مدنی به مثابه پرآوازه ترین روایت سرشت قدرت و هویت بین المللی اروپا مطالعه و واکاوی شده است. در فصل هفتم روایت اروپا به مثابه قدرت پست مدرن مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. فصل هشتم نیز به تحلیل روایت اروپا به مثابه قدرت هنجاری پرداخته است.

فصل نهم به بررسی نسبت میان روایت های نظری هویت سیاسی و بین المللی و واقعیت های عینی اتحادیه اروپا اختصاص یافته است. در این فصل مفاهیم سیاست گرایی، هنجارگرایی، پساملی گرایی، جهان وطن گرایی، صلح گرایی، استثناگرایی و غیریت گرایی به عنوان مهم ترین مولفه ها و عناصر مشترک روایت های هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا در قالب مفهوم محوری و یا فراروایت "اروپای پسا وستفالیایی" صورت بندی شده است. نقد مهم ترین کاستی ها و چالش های این روایت ها به ویژه "بازملی شدن" سیاست اروپایی، رقابت روایت های ملی هویت اروپایی، تداوم غیریت سازی درون اروپایی و برون اروپایی و بازگشت سیاست قدرت به عرصه هویت بین المللی اتحادیه اروپا مضمون سخن پایانی این فصل را تشکیل می دهد.

نگارنده در فصل دهم با ارائه روایت " هویت نووستفالیایی"، به ترسیم چشم اندازی از هویت سیاسی و بین الملل اتحادیه اروپا در دوره پس از اجرای معاهده لیسبون پرداخته است. برمبنای تفسیر این فصل ادبیات هویتی اتحادیه اروپا از گرایش به نوعی هم گرایی و مکالمه میان سنت های فلسفه سیاسی کانتی و هابزی حکایت دارد. به همین سبب، هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا به رغم آن که از آموزه های پسا وستفالیایی اثر پذیرفته است اما در قالب صورت بندی های وستفالیایی بازتعریف شده است. ازسوی دیگر، "ژئوپولتیکی شدن" هویت بین المللی اروپا، مولفه های مدنی، هنجاری و پست مدرن اتحادیه اروپا را در قالبی متفاوت مفصل بندی و بازنمایی می کند که وجه ژئوپولتیک بر آن چیرگی و غلبه دارد. درپایان نیز از مجموعه یافته های پژوهش نتیجه گیری شده است.

درپایان مایلم از راهنمایی ها و رایزنی های ارزنده شخصیت های علمی و اساتید ارجمند آقای دکتر ابراهیم برزگر استاد محترم راهنما، آقایان دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی، دکتر محمد باقر خرمشاد و دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی اساتید محترم مشاور و سرکارخانم دکتر شهین اعوانی و دکتر سید محمد طباطبایی اساتید محترم داور که با بزرگ منشی و شکیبایی از ارائه نظرات ارزنده و سودمند خویش دریغ نوزیدند و به ویژه استاد فرزانه آقای دکتر سید محمد کاظم سجادیپور که همواره در کلیه عرصه های آموزشی و پژوهشی مشوق نگارنده بوده اند، قدردانی و سپاسگزاری نمایم.

## فصل اول: کلیات

### ۱- بیان مساله

در پی فرسایش قدرت سیاسی، افول موقعیت بین المللی و مرکزیت زدایی از کشورهای اروپای غربی در نیمه نخست سده بیستم، این حوزه وارد چرخه بحرانی پرنوسانی شد که در آن اروپا به میدان رویارویی و رقابت دوقدرت غیر اروپایی مبدل گردیده و نقش و جایگاه اروپایی ها در جغرافیایی فرهنگی و سیاسی جهان درسایه قرار گرفت. این فرجام به موازات اثرگذاری بر تصویر پیشین اروپا در فرهنگ و سیاست جهانی و تبدیل تمدن اروپایی به "تمدنی درمیان تمدن های دیگر"، به استثناگرایی تاریخی اروپاییان پایان بخشیده و اروپا را به "بازیگری در میان بازیگران" موجود نظام بین الملل تبدیل نمود.

فرایند هم گرایی منطقه ای تکاپوی تاریخی و دوران سازی بود که کشورهای اروپای غربی برای برون رفت از این وضعیت آغاز نمودند. این فرایند پس از شش دهه به پیدایی صورت بندی جدیدی از نظم سیاسی انجامیده و موجب شد تا این حوزه با تحقق بخشیدن به بسیاری از اهداف اعلامی خود از جمله صلح گرایی، بازار واحد، اروپای بدون مرز، گسترش جغرافیائی و واحد پولی مشترک گام هایی مهمی را برای پایان بخشیدن به تشتت و گسست های درون اروپایی و ارائه "دیدگاه اروپائی" در برخی زمینه های بین المللی از جمله عرصه های حقوقی، تجاری و زیست محیطی بردارد.

با وجود این، ماهیت نخبه گرایانه، فن سالارانه و دیوان سالارانه فرایند هم گرایی منطقه ای در دوره جنگ سرد، نماد غلبه وجه اقتصادی بر وجه سیاسی و به بیانی گویاتر مظهر "سیاست زدایی" از سیاست اروپایی بود که در مواجهه با دگردیسی های نوظهور دوره پسا جنگ سرد با چالش های نوینی روبرو گردید. تداوم مساله واره سنتی "کسری دموکراسی" (Democratic Deficit) در گستره اتحادیه اروپا، فقدان اینهمانی میان شهروندان کشورهای عضو با اتحادیه اروپا، ورود این اتحادیه به حوزه های سنتی سیاست و تقویت سرشت سیاسی فرایند هم گرایی اروپایی موجب شد تا هویت سازی سیاسی با فلسفه وجودی هم گرایی اروپایی پیوند استواری یابد.

مفهوم "هویت اروپایی" اگرچه نخستین بار و در پی انتشار "اعلامیه هویت اروپایی" در دهه هفتاد وارد ادبیات رسمی سیاست اروپایی شد اما عمدتاً در دوره پس از پایان جنگ سرد و به ویژه در دهه نخست سده بیست و یکم رواج عام یافته و به مساله دوران ساز اتحادیه اروپا تبدیل شد. پررنگ تر شدن مفهوم "هویت" به موازات مفهوم "هم گرایی" نماد آشکار این تحول و دگردیسی بوده است. بسامد تعابیر هویتی پیرامون اروپا در ادبیات سیاسی این حوزه از جمله "اروپای ملت ها"، "اروپای پسا ملی"، "اروپای مسیحی"، "اروپای جدید"، "اروپای قدیم"، "اروپای هابزی"، "اروپای کانتی"، "اروپای مدرن"، "اروپای پست مدرن"، "اروپای مبتنی بر سیاست قدرت محور" (Realpolitik)، "اروپای مبتنی بر سیاست اخلاق محور" (Moralpolitik) و مانند آن نشانه های گویا از مساله ساز شدن هویت اروپایی در سیاست جهانی محسوب می شوند.



همزمان، فرایندهایی نظیر "چند فرهنگی شدن" و "چند قومی شدن" کشورهای اروپایی، پیوند بحران مهاجرت با بحران هویت، "بازملی شدن" حوزه عمومی، بن بست قانون اساسی اروپایی، گسترش جغرافیایی اتحادیه اروپا، جهانی شدن، پست مدرنیسم، چند قطبی شدن جهان غرب و رقابت اتحادیه اروپایی با قدرت های سیاسی و اقتصادی نوظهور منطقه ای و بین المللی، موضوع "اروپایی بودن" و هویت اروپایی را به یکی از کلید واژه های اصلی سیاست این حوزه تبدیل نموده است. از این رو، پرسش از امکان و سرشت هویت اروپایی، پرسش تاریخی و وجودی اروپای امروز محسوب می شود زیرا بدون ارائه پاسخی روشن به این پرسش، طرح جایگاه اروپا در سده بیست و یکم میسر نخواهد بود.

شایان توجه است که مفهوم اروپا در معنای امروزی معادل تاریخی نداشته و هویت اروپایی هرگز در چارچوب نهادی مشترک و فراملی نظیر اتحادیه اروپا تکوین نیافته بود. به همین سبب، اتحادیه اروپا نماد تحول و دگردیسی سیاسی عمده در تاریخ معاصر این حوزه به شمار رفته و نخستین مظهر هویت سیاسی قاره ای در سیاست جهانی به شمار می رود.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که هویت اروپایی به موازات عرصه درون اروپایی در عرصه بین المللی نیز افاده معنا نموده و مخاطب خارجی داشته است. به بیان دیگر، توسعه هویت سیاست خارجی متمایز در روابط بین الملل بخشی از فرایند هویت سازی اروپایی بوده و در حال حاضر، حوزه عمومی اروپایی به حوزه عمومی بحث پیرامون موضوعات سیاست خارجی و مفردی برای عینیت بخشی به هویت بین المللی اتحادیه اروپا مبدل شده است.

این مضمون در اعلامیه هویت اروپایی بازتاب یافته و با ترسیم تصویر واحد از اروپا در صحنه بین المللی در مناظره های بین اروپایی و نیز اسناد و اعلامیه های اتحادیه اروپا از کار بست وسیعی برخوردار شد. رواج ایده تبدیل اتحادیه اروپا به بازیگر مهم بین المللی موجب شده است تا بجای طرح پرسش های سنتی مانند امکان و یا امتناع سیاست خارجی اروپایی، اینک مشخصه ها و سرشت سیاست خارجی مشترک و نقش متمایز اتحادیه در نظام جهانی مورد پرسش قرار گیرد.

به همین سبب، در مناظره های سیاسی و گفتمان های هویتی جاری اروپا گرایش آشکاری نسبت به رویه های "غیریت سازی" (Othering) ژئوپولیتیک و فرهنگی و احیای جایگاه اروپا به مثابه قدرت جهانی و رقیب قدرت های غیر اروپایی در عرصه های مختلف به چشم می خورد. چه آن که به تعبیری تنوع و کثرت گرایی هویتی اروپاییان سبب شده است تا این حوزه در برابر "دیگری" از یکپارچگی برخوردار شود. نقش "دیگری" اروپا را در دوره های پیشین، شرق (ایران، آسیا، امپراتوری بیزانس، جهان اسلام و اروپای شرقی) برعهده داشته اند. جابجایی شرق با جهان سوم و سپس با کشورهای جنوب آخرین روایت از این غیریت سازی به شمار می رود. آمریکا نیز "دیگری" مهمی است که هویت سیاسی اروپایی در دوره پسا جنگ سرد بر مبنای آن تعریف می شود.

دردوره پس از پایان جنگ سرد تکاپوی نظری گسترده ای برای تبیین و تفسیر هویت سیاسی و بین المللی اروپایی صورت پذیرفته است. فراروایت "اروپای پسا وستفالیایی" با طرح شرایط امکان هویت سازی سیاسی در اتحادیه اروپا، مهم ترین رهیافت نظری هویت سیاسی را

تشکیل می دهند. روایت گران روایت های مختلف این فراروایت با ابتناء هویت سیاسی اتحادیه اروپا بر فرهنگ سیاسی مشترک اروپایی، از تاسیس نوع جدیدی از حکمرانی سیاسی اروپایی و دموکراسی در سطح پساملی جانبداری می نماید. رهیافت های "قدرت مدنی"، "قدرت هنجاری" و "قدرت پست مدرن" نیز با تعمیم منطق این فراروایت به عرصه سیاست جهانی، مفهوم پردازی از سرشت هویت بین المللی اروپایی را به نمایش گذاشته اند.

رهیافت های مزبور به سهم خود با شکل دهی به معنای هویت اروپایی در صدد بوده اند تا زمینه را برای خروج اروپا از بحران های هویتی و بازسازی موقعیت این حوزه در سیاست جهانی فراهم سازند. به همین سبب، وجوه متمایزی از هویت اروپایی را بر مبنای هنجارسازی و "تمایز جوئی" بازآفرینی و با ابتناء بر شیوه زیست، الگو و تصویر اروپایی بازتعریف می نمایند. در این معنا، اتحادیه اروپایی با بازتعریف آموزه های مدرنیته سیاسی در قالب معیارهای اتحادیه ای (Acquis Communautaire) تلاش داشته است تا "اروپایی سازی" ذائقه سیاسی حوزه پیرامونی قاره اروپا را به نقطه عزیمتی برای نمایش هویت بین المللی خود بدل سازد. تعریف نسبت اروپا با بازیگران و قدرت های موجود در سیاست جهانی نیز در قالب منطق هویت و غیریت از همین نکته الهام پذیرفته است.

نظر به نقش مهم اروپا در معادلات جهانی، مساله هویت سیاسی اتحادیه اروپایی پرسش های مهمی را برای ناظران و بازیگران سیاست بین الملل در سده جاری طرح نموده است که پاسخ به آنها در فهم ماهیت سیاست، سرشت قدرت و تصویر بین المللی اروپا در نظریه و واقعیت راهگشا خواهد بود. هدف پژوهش حاضر تلاش برای فهم، تحلیل و نقد روایت های هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا و نیز نسبت میان این دو هویت از منظر یافته ها و آموزه های روش شناختی تحلیل روایت ملهم از پدیدارشناسی تفسیری می باشد.

## ۲- اهمیت و اهداف موضوع:

هویت و به ویژه هویت سیاسی یکی از شاخص ترین مباحث فلسفه سیاسی و سیاست بین الملل در دوره پسا جنگ بوده و با روح این زمانه گره خورده است. مطالعه جهان فرهنگ و جهان سیاست در این روزگار بی توجه به نقش هویت و نسبت آن با فرهنگ و سیاست، نادیده انگاشتن یکی از سویه های تعیین کننده تاریخ سیاست در آغاز سده بیست و یکم خواهد بود. بحران وجودی و مساله ساز شدن هویت اروپایی در دوران معاصر نیز سبب شده است تا این موضوع به یکی از محورهای شاخص مناظره های فلسفی و سیاسی در این حوزه در آغاز سده بیست و یکم تبدیل گردد. از این رو، اتحادیه اروپا به میانجی هویت سازی سیاسی و بین المللی مفر آزمون تجربه نوظهوری در امر سیاسی است. هویت اروپایی در این معنا نمایانگر گسستی آشکار با روایت های هویتی پیشین در جغرافیای جهان غرب می باشد. اروپا که در دوران مدرن در هنجارسازی و شکل دهی به سیاست و ستفالیایی نقش شاخصی برعهده داشته است، اینک در دوران بحران اروپامداری و

استثناگرایی اروپایی از گذار به فراسوی این سیاست در عرصه های درون اروپایی و برون اروپایی جانبداری می نماید.

در این رهگذر، روایت های متعددی به توصیف، تبیین و مفهوم پردازی سرشت قدرت و بازیگری اتحادیه اروپا پرداخته اند. بسیاری از نظریه پردازان هویت اروپایی با اشاره به این نکته که اتحادیه اروپا نماد تجربه متفاوتی در عرصه اندیشه سیاسی و سیاست بین الملل به شمار می رود، تلاش داشته اند تا این اتحادیه را پدیده بدون پیشینه در تاریخ تلقی نموده و بر تمایز وجود شناختی آن با دیگر واحدها و بازیگران سیاست جهانی تاکید ورزند.

به گمان این طیف، تفاوت اتحادیه اروپا از بازتعریف آموزه های سیاست مدرن و بازاندیشی مفاهیم وستفالیایی حاکم بر نظام بین الملل سرچشمه گرفته است. به رغم عدم انطباق این داعیه های نظری با واقعیت های سیاست اروپایی، به نظر می رسد تجربه نوظهور سیاست در اتحادیه اروپا فصل نوینی در تاملات نظری علوم سیاسی و روابط بین الملل محسوب می شود. از این رو، توجه به اهمیت تامل پیرامون امر بین المللی و امر جهانی در مقام موضوع محوری اندیشه سیاسی در موقعیت جهانی شدن و در پرتو تجربه سیاست در اروپا می تواند در عرصه ادبیات نظریه سیاسی بین الملل به عنوان حوزه پژوهشی میان رشته ای نیز سودمند باشد.

باتوجه به نقش و جایگاه اتحادیه اروپا به مثابه کانون پیدایی مناسبات نوظهور قدرت در سیاست بین الملل، نگاه ژرف تر به افق های دگردیسی سیاسی این حوزه از اهمیت بسیاری برخوردار است. به نظر می رسد یافته های این پژوهش که بر آموزه های اندیشه سیاسی و روابط بین الملل استوار است، می تواند افق های دیگری فراروی فهم سرشت سیاست اروپایی ترسیم نماید.

در کشور ما آگاهی از سرشت سیاست در اروپا همچنان از نگاه سنتی و به ویژه تصویر این حوزه در دوران جنگ سرد اثر پذیرفته و چندان روزآمد نمی باشد. نظر به اهمیت بنیادی نسبت تاریخی ایران و اروپا به ویژه در تاریخ معاصر، فهم ژرف تر تحولات سیاست اروپایی در دوره پسا جنگ سرد، درس های سودمندی در عرصه اروپا شناسی در کشور ما در پی خواهد داشت.

وانگهی با توجه به تعاملات گسترده موجود کشور ما با اتحادیه اروپا، شناخت اروپا از منظر رهیافت میان رشته ای می تواند پرتو تازه ای بر نگاه ایرانی به تحولات این حوزه بیافکند. افزون بر اهمیت نظری اروپا شناسی، فهم ژرف تر سیاست اروپایی و این که کشور ما در سده بیست و یکم با چه نوع اروپایی مواجه خواهد بود، معنای استراتژیک نیز دارد زیرا منافع کشور ما در شناخت دقیق تر از ماهیت و هویت اتحادیه اروپا تامین خواهد شد. این امر همزمان می تواند مطالعات اروپایی را در کشور ما گامی به پیش راند. چه آن که در زبان فارسی اگرچه در سال های اخیر آثار متعددی پیرامون اتحادیه اروپا ترجمه و یا به نگارش درآمده است اما در موضوع محوری این پژوهش هنوز اثر مستقلی منتشر نشده است.

### 3 - پیشینه و ادبیات موضوع :

در تاریخ سیاست معاصر اروپا، ادبیات گسترده ای پیرامون موضوعات مربوط به فرایند هم گرایی اروپایی پدید آمده است. نظریه این که، مراحل و مقاطع تاریخی ادبیات هویت اروپایی با ادبیات نظریه های هم گرایی اروپایی گره خورده است، بررسی ادبیات و پیشینه تاریخی طرح مفهوم هویت سیاسی اتحادیه اروپا بدون واکاوی پیدایی و تحول این مفهوم در پرتو در نظریه های هم گرایی اروپایی میسر نمی باشد.

در این بخش با مروری بر پیشینه تاریخی و ادبیات هویت اروپایی، نقش و جایگاه رهیافت های نظری موجود در فهم سرشت هویت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار گرفته و ادبیات هویت اروپایی در قالب های فرایند محور (تحولات زمانی) و موضوع محور (تحولات مفهومی) بررسی شده است.

#### 1-3 - هویت اروپایی دوره جنگ سرد

در دوره جنگ سرد مفهوم "هویت اروپایی" تحت الشعاع "مفهوم هم گرایی اروپایی" قرار داشته و در پرتو آن مورد توجه قرار می گرفت. با توجه به این که علوم اجتماعی دوره جنگ سرد از آموزه های نظری سنت رئالیستی الهام پذیرفته بود، پیدایی "جامعه اقتصادی اروپا" در دهه 50 سده بیستم، برخی از مفاهیم و آموزه های نظریه های سنتی روابط بین الملل را با چالش مواجه گرداند. به همین سبب، سنت رئالیستی که به پدیده های سیاسی و بین المللی در چارچوب مفاهیم دیرآشنایی مانند دولت مداری، موازنه قوا، منافع ملی و نهادهای بین المللی می پرداخت، در ابتدا اعتنای چندانی به تجربه هم گرایی اروپایی نشان نداد. رهیافت های دولت محور ملهم از این سنت، هویت ها را با منافع دولت ها یکسان تلقی نموده و نهادهای بین المللی را نیز ترجمان منافع دولت ها به شمار می آورد. بنابراین، نقش نهادها در شکل دهی و یا بازتعریف هویت های سیاسی و بین المللی توجهی برنمی انگیخت.

با این همه، فرایند هم گرایی اروپا در مقام پدیده نوظهور سیاست جهانی به تدریج مورد توجه برخی پژوهشگران سیاست بین الملل قرار گرفت و نظریه پردازان این حوزه پژوهشی یا به تحلیل این فرایند در چارچوب آموزه های رئالیستی و دولت محور پرداختند و یا با الهام پذیری از سنت ایدئالیستی به طرح مفاهیم متفاوتی برای تبیین هم گرایی اروپایی گرایش نشان دادند. از این رو، رهیافت های سنتی ادبیات هم گرایی و هویت اروپایی همواره در چارچوب دو سرمشق نظری کارکردگرایی (ملهم از سنت لیبرالی و ایدئالیستی) و بین دولت گرایی (نماد سنت رئالیستی) در نوسان بوده است. سرمشق نظری نخست در دهه 60 و دیگری در دهه های 70 و 80 در تحلیل و بررسی هم گرایی و هویت اروپایی از غلبه نسبی برخوردار شدند.

نظریه پردازی در فضای سنت کارکردگرایی ملهم از علوم اجتماعی، شاخص ترین تکاپوی نظری بود که در طرح شرایط امکان همکاری فراملی میان دولت ملت های اروپایی از رهگذر فرایندهای "نهادسازی"، "جامعه پذیری" و "فرهنگ پذیری" نقش آفرین گشت. نظریه